

## نقوش هندسی در آینه منابع مکتوب از گذشته تا امروز

### کتاب‌شناسی نقوش هندسی در هنر اسلامی

● پروین بابایی

دانشجوی دکتری هنر اسلامی دانشگاه هنر اسلامی تبریز P.babaei@tabriziau.ac.ir

● سمیه زادامیری

کارشناسی ارشد هنر اسلامی دانشگاه هنر اسلامی تبریز S.zadamiri@tabriziau.ac.ir

#### چکیده

نقوش هندسی در هنرهای اسلامی حضور پررنگی دارد. روابط هندسی (نظم هندسی) و ظرافت و دقت به کاررفته در این نقوش توجه هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌کند. باتوجه به اهمیت و کاربرد نقوش هندسی در هنر و معماری، نیاز است که به نوآوری در این زمینه توجه بیشتری صورت گیرد. تعدادی از هنرمندان و نویسندگان درباره این نقوش مطالبی نوشته‌اند و سعی بر حفظ، تداوم و ارتقاء این نقوش داشته‌اند. این مقاله به بررسی آثار آنان می‌پردازد تا میزان دقت این آثار در بیان موضوع مشخص شود. بررسی متون هندسه نقوش، حاکی از آن است که این حوزه نیاز به نوآوری دارد. از این رو در این مقاله تلاش شده تا با معرفی و نقد متون هندسه نقوش در این راه گامی برداشته شود. شیوه جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای بوده و پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های استنادی است.

**کلیدواژه:** هندسه نقوش، کتاب‌شناسی، گره هندسی، هنر اسلامی

#### مقدمه

نقوش هندسی یکی از شاخه‌های مهم تزیین در هنر و معماری ایرانی است و اهمیت و کاربرد این نقوش را می‌توان در آثار تاریخی به‌جای‌مانده مشاهده نمود. امروزه علاوه بر استفاده از این نقوش نیاز به ابتکار در آن احساس می‌شود و این امر تنها با آموختن درست اصول این نقوش میسر است. به این منظور کتبی در این زمینه نگاشته شده است. در این مقاله کتاب‌هایی که از اهمیت بیشتری

برخوردارند، به تفصیل بیشتر معرفی شده و مورد نقد قرار گرفته‌اند تا راه برای آیندگان و علاقه‌مندان تألیف آثار مربوط به نقوش هندسی روشن‌تر و هموارتر گردد و درمورد کتب متأخر که عمدتاً فاقد نوآوری خاصی هستند، به معرفی اجمالی اکتفا شده‌است.

### معرفی کتاب‌ها

کتاب‌های مربوط به هندسه نقوش را می‌توان به چند بخش یا زیرموضوع اصلی تقسیم نمود: کتاب‌های آموزش ترسیم نقوش، کتاب‌های معرفی نقوش و متون نظری (زیباشناختی، فلسفی و...). علاوه بر این در تعدادی از آثار نیز به صورت متفرقه بخشی به هندسه اختصاص یافته که در این مقاله حتی‌المقدور معرفی خواهند شد.

فصلنامه نقد کتاب

ادبیات و هنر

سال دوم، شماره ۷ و ۸  
پاییز و زمستان ۱۳۹۸



### کتاب‌های آموزش ترسیم نقوش

● زمرشیدی، حسین (۱۳۶۵). *گره‌چینی در معماری اسلامی و هنرهای دستی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

در این کتاب روش‌های ترسیم گره‌های هندسی آموزش داده می‌شود. این کتاب شامل هفت فصل است، با این عناوین: مقدمه، کاربرد گره در هنرهای دستی، نحوه محاسبه و اجرای عملی و تئوری گره، مقدمات ترسیم گره، گره‌های گروه اول، گره‌های گروه دوم و گره‌های گروه سوم.

در مقدمه کتاب ابتدا سابقه هنر کاشی‌کاری مطرح می‌شود و سپس درباره تهیه گل، پختن و رنگ‌آمیزی آن توضیحاتی ارائه می‌گردد. در ادامه انواع کاشی و نحوه ساخت و لعاب دادن آن‌ها شرح داده شده و سپس وارد بحث معرق‌کاری و روش‌های انجام کاشی‌کاری‌های مختلف می‌شود. در فصل دوم با عنوان «کاربرد گره در هنرهای سنتی»، انواع گره‌سازی‌ها در معماری، یعنی آجرکاری، گچ‌بری، کاشی و آجر، آئینه‌کاری، سنگ، نقاشی در گره و نیز گره‌سازی در چوب شامل مثبت‌کاری و گره در دیگر هنرهای تزئینی مانند خاتم، فلزکاری، قالی‌بافی، صحافی، پارچه‌های قلمکار، زری‌بافی و حریر معرفی می‌شوند. در فصل سوم نحوه محاسبه و اجرای عملی و تئوری گره آموزش داده می‌شود و از فصل چهارم آموزش ترسیم گره آغاز می‌شود. برای ترسیم گره‌ها ابتدا باید با روش ترسیم چندضلعی‌های منظم آشنا شد. سپس آلات گره معرفی می‌شوند که برخی از این آلات، ایرانی و برخی غیرایرانی هستند. در فصل پنجم گره‌های گروه اول (روش ترسیم) آموزش داده شده‌است. فصل ششم به گره‌های گروه دوم، یعنی گره‌های فاقد شمشه اختصاص دارد. این گره‌ها بیشتر از ترکیب خطوط مستقیم و ادغام آن‌ها در یکدیگر به وجود می‌آیند. گره‌های گروه اول به روش تقسیم زوایا ترسیم می‌شوند و در نهایت فصل هفتم به ترسیم گره‌های غیرایرانی اختصاص دارد.

این کتاب در ۳۶۲ صفحه تألیف شده است. با وجود تنوعی که در معرفی گره‌های مختلف و روش ترسیم آن‌ها دارد، در مواردی نیز دچار اشتباه شده است. به عنوان مثال در ترسیم گره‌های صفحات ۳۳۵ و ۳۳۶ گره‌ها را دو خطه ترسیم نموده و به تصور این که فاصله بین گره‌ها (حمیل کشی) نیز بخشی از طرح است، در ارائه شیوه ترسیم دچار ابهام و پیچیدگی شده است.

در گره صفحه ۳۳۳ علاوه بر دو خطه نمودن گره، در ترسیم زوایا و رئوس آن دقت کافی اعمال نشده است. در ترسیم گره‌ها حمیل رسم نمی‌شود و خطی که حمیل را به دو قسمت تقسیم می‌کند، خط مرزی آلت‌ها به شمار می‌آید. به عبارتی فضای حمیل باید بین آلت‌های جانبی به‌طور مساوی تقسیم شود. حمیل در صفحات ۳۲۴، ۳۲۳، ۳۲۲، ۳۲۱، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۱۸، ۳۱۷، ۳۱۵، ۳۱۱، ۳۰۹، ۳۰۷، ۳۰۲، ۲۹۸ نیز دو خطی است.

در ترسیم چهاربندی هشت صفحه ۲۹۱ نیز نسبت‌ها به درستی رعایت نشده است. در صفحه ۲۷۹ در ترسیم یکی از گره‌های بقعه مومنه خاتون دایره را کامل اجرا نموده است. در صفحه ۲۰۳ گره مربوط به مقبره علامه مجلسی را اشتباه ترسیم نموده است. روش ترسیم گره فرد نه دوازده دشوار است و می‌توان به شیوه آسان‌تری این گره را ترسیم نمود. در ترسیم گره دوازده صفحه ۱۹۴ دقت کافی اعمال نشده است. در صفحه ۱۸۶ نیز تقسیمات دقیق نیست.

این کتاب از مهم‌ترین منابع آموزشی برای شیوه‌های رسم نقش هندسی به شمار می‌رود، اما با توجه به پیچیدگی و پاره‌ای بی‌نظمی‌ها فاقد ساختار آموزشی مناسب است. با وجود تنوع نقوش، نظم خاصی در تدوین کتاب مشاهده نمی‌شود و نقش‌ها به صورت اتفاقی انتخاب شده‌اند. فصل‌بندی کتاب بر مبنای هنرهای مختلف و نه نوع گره‌ها انجام یافته که روشی غیرنظام‌مند و قابل نقد است و به علت عدم تبیین یک قاعده صحیح، پیچیدگی گمراه‌کننده‌ای را در ترسیمات نقوش هندسی موجب شده است.

● البوزجانی، ابوالوفا محمد (۱۳۶۹). هندسه ایرانی؛ کاربرد هندسه در عمل. ترجمه سیدعلیرضا جذبی. تهران: سروش.



ابوالوفا محمد بوزجانی رساله‌ای درباب هندسه و آنچه که صنعتگران باید از هندسه بدانند، تألیف نموده‌است. نام اصلی این کتاب رساله تجارت؛ فی ما یحتاج الیه العمال و الصناع من الاشکال الهندسیه است. موضوع این کتاب روش ترسیم نقش‌های هندسی است و همچنان اهمیت خود را به‌عنوان یکی از معتبرترین منابع مورد‌مراجعه دربارهٔ کم و کیف نقش هندسی در بین هنرمندان حفظ نموده‌است. این کتاب در دوازده باب تنظیم شده‌است:

- باب اول: در شناخت اصولی که دانستن آن لازم است.
- باب دوم: شیوه کشیدن اشکال متساوی الاضلاع و الزوایا
- باب سوم: شیوه کشیدن اشکال در دایره و بر دایره
- باب چهارم: روش ترسیم دایره بر اشکال
- باب پنجم: رسم دایره در اشکال
- باب ششم: در رسم اشکال در اشکال و بر اشکال
- باب هفتم: در تقسیم مثلث‌ها
- باب هشتم: در تقسیم کردن چهارضلعی‌ها
- باب نهم: در تقسیم کردن یک مربع به چند مربع و به‌دست آوردن یک مربع از ترکیب چند مربع

• باب دهم: جداکردن راه

• باب یازدهم: در تقسیم دایره‌ها

• باب دوازدهم: در تقسیم کردن سطح کره و رسم اشکالی که بر کره می‌توان کشید.

کتاب دو ضمیمه نیز دارد. این ضمایم شامل مطالبی است که ابواسحاق ابن عبدالله کوبنانی در قرن نهم هجری به متن اصلی اضافه کرده‌است. بنابه اظهار مترجم، این بخش دقت بخش اصلی رساله بوزجانی را ندارد و بی‌توجهی مؤلف سبب نامفهومی برخی قسمت‌های آن شده‌است.

• مکی‌نژاد، مهدی (۱۳۸۵). *گزیده آثار استاد اصغر شعریاف؛ گره و کاربندی*. (چ اول). تهران: فرهنگستان هنر.

کتاب شامل سه فصل: دیباچه، گره و کاربندی و تصویرها است. دیباچه به توضیحاتی دربارهٔ تزیینات در معماری اسلامی ایران می‌پردازد و نقوش تزیینی را در سه گروه نقوش گیاهی، هندسی و خطی (خط‌نگاره‌ها) تقسیم نموده و مورد بررسی قرار می‌دهد. بنابه تعریف شعریاف تزیینات معماری اسلامی دو وجه عمدهٔ کاربردی (مادی) و مفهومی (معنایی) دارد. در بعد کاربردی، نوع مصالح، ابزار و سایل، روش‌های اجرا، ابعاد و اندازه، محل و مکان اجرا و کمیت‌های فیزیکی مدنظر است (مکی‌نژاد، ۱۳۸۵: ۸)، اما دربارهٔ وجه مفهومی آن اقوال و آراء مختلفی وجود دارد. تیتوس بورکهارت<sup>۱</sup> معتقد است که این نقوش ماهیت غیرتاریخی، عرفانی و متفکرانه دارند و باز نمود وحدت در کثرت و کثرت در وحدت‌اند (بورکهارت، ۱۳۶۵). اولگ گرابار<sup>۲</sup> به جان‌بخش بودن تزیینات اشاره می‌کند، اما

معتقد است که تزئینات هیچ‌گونه معنای ذهنی و بعد فرهنگی ندارند و صرفاً برای آراستن و حظ بصرند. فقط در کتیبه‌ها معنای شبیه‌سازانه یافت می‌شود، لذا وی این نقوش را صرفاً تزئینی و فاقد بعد معنوی و سمبلیک می‌داند. در این زمینه دیدگاه‌های متفاوت و گاه متضادی همچون نگاه عرفانی و صوفیانه و جنبه‌های ایهام و ابهام و ترس از وجود خلأ مطرح شده‌است (گرابار، ۱۳۸۹).

طبق اظهارات شعرباف در دوره حکومت ترکان سلجوقی شاهد زیباترین تزئینات اجرکاری و نقش‌های هندسی در معماری ایران هستیم و از این دوره به بعد آرایه‌ها نقش اساسی در معماری دوران اسلامی ایفا می‌کنند (مکی‌نژاد، ۱۳۸۵: ۹). شعرباف نقوش هندسی را به چندین گروه تقسیم نموده و تعریفی مختصر از هر یک ارائه می‌دهد: گره‌ها، قوس‌ها، کاربندی، مقرنس، رسمی‌بندی، یزدی‌بندی و کاسه‌سازی.

در فصل دوم با عنوان «گره و کاربندی»، ابتدا انواع مقرنس‌های ۹ پا، ۶ پا، ۵ پا، ۷ پا، ۱۰ پا و ۱۲ پا را در زمینه‌های مختلف ۶ ضلعی، ۸ دواتی و نگینی، بیضی، دایره، مستطیل، مربع، ۶ طولانی و طلایی، نیم‌کار سالم و هشت گلوبی، فیل‌پوش، زیرگنبد و نیم‌کار مثلث ترسیم نموده‌است. هم‌چنین در بخش کاسه‌سازی نیز انواع طرح‌های کاسه اعم از کاسه‌های فاصله‌دار، کاسه بزرگ و کوچک، نیم‌کاسه را در ترکیب با آویزها و در زمینه‌های مختلف که هر کدام یک ترکیب‌بندی متفاوت و متمایز را ایجاد می‌نماید، به‌صورت تصاویر خطی معرفی نموده و ترکیب‌هایی از کاسه و شمشه و یزدی‌بندی و آویز در ادامه آمده‌است.

بخش بعدی به رسمی‌بندی و یزدی‌بندی اختصاص دارد. نمونه‌هایی از یزدی‌بندی و رسمی‌بندی در ترکیب‌بندی‌های مختلف ترسیم شده‌است. در بخش مربوط به گره‌ها، نمونه‌هایی از خرد کردن شاه‌گره‌ها به گره‌های کوچک‌تر ترسیم شده‌است. همین‌طور تعدادی از گره‌های معروف نیز در زمینه‌های مختلف در ادامه آمداند. در تمامی رسم‌های کتاب تنها تصویر نهایی آمده و درباره روش‌های ترسیم توضیحی داده نشده‌است. هم‌چنین اشاره نشده که این رسم‌ها بر چه مبنایی انتخاب و در کتاب گنجانده شده‌اند. در انتهای کتاب تصاویری چند به‌عنوان نمونه از مقرنس‌ها و رسمی‌بندی آمده‌است.

● بروگ، اریک<sup>۳</sup> (۱۳۹۰). نقوش هندسی در معماری اسلامی. ترجمه مؤژگان هاتفی. تهران: یزدا.



اریک بروگ در این کتاب ترسیم نقش‌های هندسی را به صورت مرحله به مرحله شرح داده‌است. این کتاب نیز علی‌رغم دقتی که نویسنده در نگارش مبذول داشته، به برخی زوایای ترسیم نقش‌های هندسی توجه ننموده‌است؛ زیرا نویسنده به اصول و قواعد طراحی سنتی اسلامی اشراف کافی نداشته و بنابراین شیوه‌ای ناصحیح را در طراحی در پیش گرفته‌است. به عنوان مثال نقش شمسه را در مرکزیت قاب واگیره قرار داده که این شیوه ترسیم به بروز نواقصی در تمامیت گره‌ها می‌انجامد. به طور کلی می‌توان چنین ادعا نمود که کتب غربی به ترسیم گره‌های متداخل توجه چندانی نکرده‌اند و بیشتر تمرکز آنان بر قاب واگیره‌های مربع و دایره بوده‌است، در حالی که در قاب واگیره مربع و دایره نمی‌توان به بسیاری از آلت‌ها رسید.

- میرفخرایی، وحیده و آناهیتا مقبلی (۱۳۹۳). هندسه نقوش. تهران: فخرآکیا.
- و در نهایت در این کتاب به معرفی نقش‌های هندسی در هنرهای سنتی پرداخته‌اند.



### کتاب‌های معرفی نقوش

- فرشته‌نژاد، مرتضی (۱۳۵۶). گره‌سازی و گره‌چینی در هنر معماری ایران. تهران: انجمن آثار ملی.

مرتضی فرشته‌نژاد در این کتاب تعدادی از گره‌های هندسی مورد استفاده در قسمت‌های مختلف بناهای شاخص اسلامی را با ذکر نام آن‌ها معرفی و ترسیم نموده‌است. این کتاب علی‌رغم سادگی نسبتاً دقیق است، اما توضیحی درباره نقش‌ها و ترسیمات موجود ارائه نمی‌دهد و تنها به ذکر نام گره و ترسیم آن اکتفا می‌کند.

- بورگوان، ژول<sup>۴</sup> (۱۳۷۴). طرح‌های هندسی اسلامی. ترجمه جلال‌الدین سلطان کاشفی. تهران: فرهنگان.

این کتاب با مقدمه جلال‌الدین سلطان کاشفی به ترسیم خطی تعدادی از نقوش هندسی آثار هنری قاهره و دمشق از قرن چهاردهم تا هجدهم بسنده نموده و توضیح دیگری درباره نقش‌ها ارائه ننموده‌است. کاشفی در مقدمه این کتاب به این نکته اشاره می‌کند که اسکلت‌بندی آثار طرح‌های هندسی دارای روش‌های خاص خود بوده که به صورت سینه‌به‌سینه انتقال می‌یافته‌است، اما امروزه تنها با صورت نقش‌ها مواجه هستیم و آن اصول و قواعد برای ما ناشناخته مانده‌است.

- پورپیرار، ناصر (۱۳۷۶). معماری و هنر سرزمین‌های اسلامی. تهران: کارنگ.
- ناصر پورپیرار در این اثر تصویری از آرایه‌های معماری سرزمین‌های اسلامی آورده‌است؛ اما این کتاب توضیح چندانی درباره نقوش ندارد و تنها از نظر تنوع تصاویر و مستندات موجود در آن قابل توجه است. این کتاب می‌تواند، به عنوان منبعی برای آشنا نمودن طراحان با نقوش متنوع هندسی در سرزمین‌های مختلف اسلامی بسیار کارآمد باشد.
- شفایی، جواد (۱۳۸۰). هنر گره‌سازی در معماری و درودگری. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

این اثر حدود ۳۰۵ نقش به‌کاررفته در معماری و درودگری ایرانی را با ذکر نام گره‌ها گردآوری و معرفی نموده‌است. مؤلف هدف از گردآوری این مجموعه را حفظ نقوش از گزند نابودی و فراموشی عنوان نموده‌است. این کتاب از منظر تنوع نقوش و تلاش مؤلف برای گردآوری تعداد زیادی از آن‌ها قابل توجه است.

● طوجی، حمید (۱۳۸۶). گره‌چینی. تهران: ارمغان.

این کتاب به معرفی ابزارها و مواد و مصالح گره‌چینی و نیز شیوه استفاده از این وسایل و مصالح می‌پردازد و سپس تصاویری از گره‌های مختلف در انواع بناها را با ذکر نام گره‌ها آورده و از نظر اطلاعات فنی که در اختیار خواننده قرار می‌دهد، قابل اهمیت است. نقش‌های تزئینی، طراحی هندسی عنوان کتابی از سلینا پوریا (۱۳۹۵) است که طرح‌ها و نقش‌های تزئینی هنر اسلامی در آن معرفی می‌گردد. همچنین مجیدرضا رستمی (۱۳۹۶) در کتاب *نقش‌های تزئینی ایران* نیز انواع نقوش تزئینی را در هنر اسلامی معرفی می‌نماید.

### متون نظری

اخوان صفا در رسائل خود به‌طور مفصل به هندسه ذیل علوم ریاضی پرداخته‌اند و از طرفی با بهره‌گیری از علوم هرمسی و فیثاغوری بین ارکان طبیعت و کائنات و عوالم مختلف ارتباط برقرار نموده‌اند. از نظر آنان مفهوم ماورای کمی اعداد در اشکال هندسی باز نمود می‌یابد که این اشکال هریک دارای کیفیت و به‌عبارتی شخصیت هستند و از این جهت علوم همچون هندسه را پل رابطی بین عالم محسوسات و معقولات به شمار می‌آورند. تفکرات اخوان بیشتر سرمنشأ ذوقی و تمثیلی دارد تا استدلالی، و به‌عبارتی این رساله را می‌توان یکی از سنگ بناهای تفکرات سنت‌گرایانه به شمار آورد.

● عباس، سیدجان و سلمان عامر شاکر (۱۳۸۳). *هم‌آراستگی در نگاره‌های اسلامی*. ترجمه آمنه آقاربیع. تهران: به‌نشر.

این اثر درباره تقارن و انواع آن در هنر اسلامی بحث می‌نماید، اما صرفاً به تحلیل تقارن در نقوش می‌پردازد و توجهی به سایر ابعاد گره‌ها ندارد. کتاب شامل پنج فصل است:

فصل اول: نگاره‌های اسلامی و شناخت هندسی آن‌ها.

فصل دوم: در ستایش نگاره، هم‌آراستگی، وحدت و هنر اسلامی

فصل سوم: گریزی از نگاره‌های اسلامی به ناوردایی و گرو

فصل چهارم: رده‌بندی، تشخیص و ساختار هفده نوع از نگاره‌های متناوب دو بعدی

فصل پنجم: نگاره‌های اسلامی و هم‌آراسته‌های آن‌ها

● نجیب اوغلو، گلرو (۱۳۸۹). *هندسه و تزئین در معماری اسلامی*. ترجمه مهرداد قیومی

بیدهدنی. تهران: روزنه.

نجیب اوغلو در این کتاب به نقش ریاضیات در هندسه نقوش اشاره نموده و به‌خصوص بر اهمیت و محوریت ریاضیات در نقوش هندسی دوره سلجوقی تأکید کرده‌است. از نقاط

قوت این کتاب می‌توان به پرداختن آن به آرای مختلف درباره تزیینات معماری اسلامی اشاره نمود. نجیب اوغلو هم‌چنین به پارادایم‌های حاکم بر تزیینات در دوره‌های مختلف نیز نظری داشته‌است. باین‌وجود این کتاب بر طومار توپ قاپو تمرکز دارد و بنابراین نمی‌توان اطلاعات اختصاصی درباره ساختار گره‌های هندسی را در آن یافت.

• بلخاری، حسن (۱۳۹۶). *فلسفه، هندسه و معماری*. تهران: دانشگاه تهران.

بلخاری در این اثر به تبیین آرای مختلف فلسفی درباره هندسه و جایگاه آن در معماری می‌پردازد، اما تمامی آراء ذکرشده را تنها از بعد فلسفی و زیباشناختی مورد مطالعه قرار می‌دهد. وی ارتباط بین فلسفه و معماری را از طریق هندسه به‌عنوان پلی میان دانش و هنر تبیین می‌نماید و باتوجه‌به آرای اخوان‌الصفا یا ابن‌سینا (رسالة النیریزیه) و دیگران درباره ارتباط بین اعداد و شکل‌های هندسی و قوای مختلف طبیعت و مضامین معنوی، اهمیت فلسفه‌دانی و هندسه‌دانی معماران را نتیجه‌گیری می‌کند. علی‌رغم اندک فاصله‌ای که این کتاب از سنت‌گرایان می‌گیرد، هم‌چنان نگاه سنت‌گرایانه به موضوع هندسه در هنر دارد و ازسویی به تزیینات معماری چندان توجهی ندارد، بلکه تنها فرم در معماری را مورد بحث قرار می‌دهد. باین‌وجود نظریات کاربردی متفکران و دانشمندان اسلامی را تا حدودی روشن می‌سازد.

• عصام، سعید و عایشه پارمان (۱۳۹۷). *هندسه و نقوش اسلامی*. ترجمه حمیدرضا زین‌الدین.

تهران: رازآور.

نویسندگان در این کتاب به معرفی نقوش اسلامی در سرزمین‌های اسلامی می‌پردازند. کتاب شامل هفت فصل است. فصل نخست کتاب به اندازه‌گیری و تقسیمات بعدها پرداخته‌است. در فصل دوم الگوهای هندسی در طرح‌های اسلامی تشریح شده‌است. فصل سوم درباره معماری اسلامی است. نویسندگان در این مبحث به بررسی ریشه‌های معماری جهان اسلامی می‌پردازد و اصول و قواعد هندسی آن را مطرح می‌سازد. در فصل‌های چهارم، پنجم و شش ساختمان هندسی خوشنویسی و شعر و موسیقی مطرح می‌شود و در فصل هفتم الگوهای چند نمونه از طرح‌های اسلامی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌است. آنچه باعث اهمیت این کتاب می‌شود، این است که ارتباط میان هنرهای مختلف اسلامی و هندسه را با دقت بررسی نموده‌است.

کتاب *سیری در عناصر و تزیینات معماری ایران* (۱۳۹۰)، نوشته حسین یاوری نیز به‌طور اجمالی انواع تزیینات در معماری اسلامی از جمله نقوش هندسی را معرفی می‌نماید.

### سایر متون

آندره گدار<sup>۵</sup> در *آثار ایران* (۱۳۸۴) درباره آثار معماری ایران و آرایه‌های هندسی به‌طور مختصر سخن می‌گوید. نگاه وی بیشتر تاریخی است و نگاه تخصصی به تزیینات معماری و به‌ویژه نقوش هندسی ندارد.

حسن بلخاری در آثار خود بخش‌هایی را به نقوش هندسی در هنر اسلامی اختصاص



داده است. وی در فلسفه هنر اسلامی به تبیین آرای متفکران مختلف اسلامی درباره هنرهای اسلامی می‌پردازد. بخش‌هایی از کتاب وی به تفسیر نقوش هندسی اختصاص دارد، اما این تفاسیر را می‌بایست در زمره خوانش به شمار آورد تا استدلالی.

همچنین در کتاب قدر: نظریه هنر و زیبایی در تمدن اسلامی (۱۳۹۴)، رابطه مفهوم قدر و ارتباط آن با هندسه و در نتیجه نسبت بین زیبایی و نظم را مورد بررسی قرار می‌دهد. طبق این نظریه، هندسه در هنر اسلامی بیانگر مفهوم قدر است. با وجود استدلال‌هایی که در این کتاب عنوان می‌شود، به نظر می‌رسد، رابطه مفهوم قدر و معنای مورد نظر آن در این کتاب، یعنی اندازه معین - با هندسه یک رابطه طبیعی و بدیهی است و نمی‌توان آن را نظریه دانست. در عین حال که طرح مسأله هندسه در هنر اسلامی و دست و پنجه نرم کردن با آن در این کتاب چندان هم به بیراهه نرفته‌است، باز هم نمی‌توان از نظریه قدر برای تجزیه و تحلیل نقوش هندسی بهره برد؛ به خصوص که این نظریه فاقد روش‌شناسی است و در حد یک استدلال مقدماتی باقی مانده‌است.

علاوه بر کتاب‌هایی که مستقیماً به آرایه‌های معماری پرداخته‌اند، آثاری هم برخی ابعاد تفکر دانشمندان اسلامی را با رویکرد فلسفی واکاوی نموده‌اند، از جمله می‌توان به سید حسین نصر اشاره کرد. به زعم او هنر اسلامی از تمثیلات انتزاعی هندسی برای تجسم توحید مدد می‌طلبد و طرح‌های هندسی را با توسل به احکام سلبیه توجیه می‌نماید. وی موفقیت علمی همچون هندسه در بین مسلمانان را معلول انطباق آن با مبانی توحیدی می‌داند.

در کتاب تزئینات وابسته به معماری دوره اسلامی (۱۳۷۶)، تألیف محمدیوسف کیانی تزئینات مختلف وابسته به معماری و از جمله آجرچینی مورد بحث قرار گرفته‌است، اما به اقتضای موضوع کلی کتاب، از حد معرفی فراتر نمی‌رود.

### نتیجه‌گیری

درباره نقوش هندسی مطالعات متعددی صورت پذیرفته‌است که از روش‌های ترسیم نقوش تا مبانی فلسفی و حکمی آن را در برمی‌گیرد. با وجود این که در سال‌های اخیر تعدادی کتاب علی‌الخصوص در زمینه آموزش شیوه‌های ترسیم نقوش هندسی منتشر شده‌است، اما همچنان اصلی‌ترین منابع مورد مراجعه، همان چند منبع قدیمی از جمله کتاب‌های زمرشیدی، شعرباف، بوزجانی و فرشته‌نژاد هستند. در حالی که همین منابع نیز خود دارای اشکالاتی چند هستند که ضرورت توجه اساتید فن را در زمینه بازنگری در کتاب‌ها و با تألیف آثار جدید هم‌تراز و هم‌شأن با همان آثار قدیمی نشان می‌دهد. این مسئله درباره سایر آثار که به مباحث تاریخی یا حکمی و فلسفی نقش هندسی پرداخته‌اند نیز صادق است و به نظر می‌رسد، نقش هندسی به‌عنوان یکی از شاخه‌های مهم تزیین و آرایه در هنر و معماری ایرانی مورد توجه صاحب‌نظران ایرانی قرار نگرفته و همچنان چند اثر ترجمه‌ای طلایه‌دار متون نظری درباره نقوش هندسی هستند.

پی‌نوشت

1. Burckhardt.T
2. Grabar.O
3. Broug.E
4. Bourgojn.J
5. Godard.A

منابع

- بروگ، اریک (۱۳۹۰). نقوش هندسی در معماری اسلامی. ترجمه مژگان هاتفی. تهران: یزدا.
- بلخاری، حسن (۱۳۹۶). فلسفه، هندسه و معماری. تهران: دانشگاه تهران.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴). قدر؛ نظریه هنر و زیبایی در تمدن اسلامی. تهران: سوره مهر.
- بورکهارت، تیتوس (۱۳۶۵). هنر اسلامی؛ زبان و بیان. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: سروش.
- البوزجانی، ابوالوفا محمد (۱۳۶۹). هندسه ایرانی؛ کاربرد هندسه در عمل. ترجمه سیدعلیرضا جذبی. تهران: سروش.
- پوریا، سلینا (۱۳۹۵). نقش‌های تزئینی، طراحی هندسی. تهران: فارسیران.
- رستمی، مجیدرضا (۱۳۹۶). نقش‌های تزئینی ایران. تهران: فخراکیا.
- زمرشیدی، حسین (۱۳۶۵). گره‌چینی در معماری اسلامی و هنرهای دستی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- عباس، سیدجان و سلمان عامر شاکر (۱۳۸۳). هم‌آراستگی در نگاره‌های اسلامی. ترجمه آمنه آقاریبع. تهران: به‌نشر.
- عصام، سعید و عایشه پارمان (۱۳۹۷). هندسه و نقوش اسلامی. ترجمه حمیدرضا زین‌الدین. تهران: رازآور.
- کیانی، محمدیوسف (۱۳۷۶). تزئینات وابسته به معماری ایران دوره اسلامی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- گدار، آندره (۱۳۸۴). آثار ایران. ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- گرایر، اولگ و دیگران (۱۳۸۹). معماری اسلامی. ترجمه اکرم قیطاسی. تهران: انتشارات سوره مهر.
- مکی‌نژاد، مهدی (۱۳۸۵). گزیده آثار استاد اصغر شعریاف؛ گره و کاربندی. (چ اول). تهران: فرهنگستان هنر.
- میرفخرایی، وحیده و آناهیتا مقبلی (۱۳۹۳). هندسه نقوش. تهران: فخراکیا.
- نجیب اوغلو، گلرو (۱۳۸۹). هندسه و تزئین در معماری اسلامی. ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی. تهران: روزنه.
- یاوری، حسین و حکاک‌باشی، سارا (۱۳۹۰). سیری در عناصر و تزئینات معماری ایران. تهران: توتیا.